



The Orthography (Rasm al-Khat) and Recitation (Qir'at) of the Paris–St. Petersburg Codex *

Marzieh Sarvmaily¹ and Elaha Shahpasand²

Abstract



The Islamic narrations on the history of the Quran are often limited and sometimes contradictory, rendering them insufficient for comprehensively elucidating all dimensions of Quranic history. In recent era, some Western Quranic scholars have questioned the authenticity of the Islamic traditions, consequently proposing a much later timeline for the Quran's compilation. To address these challenges, researchers have turned to the study of physical and archaeological evidence from the early Islamic centuries, such as papyri, inscriptions, and manuscript codices. This study aims to shed light on a particular aspect of Quranic history by examining and analyzing one of the earliest Quranic manuscripts, the Paris–St. Petersburg Codex, housed in the National Library of France and the National Library of Russia. This codex contains portions of the latter half of the Quran. The research seeks to date the manuscript's compilation and, as far as possible, identify the dominant qira'at (recitational method) prevalent during the transcription of Quranic manuscripts close to the period of Quranic revelation. To achieve this, the study provides a comprehensive introduction to this ancient Hijazi manuscript and examines various aspects of its codicology, orthography (rasm al-khat), spelling conventions (imla), recitational variants (qira'at), and verse enumeration systems ('ad al-ayat). The findings indicate that through dating methods such as paleography, manuscript analysis, carbon-14 testing, and the study of orthographic features, diacritics, and dots present in the manuscript, the Paris–St. Petersburg Codex can be dated to the first half of the first Islamic century. Its verse enumeration system shows the closest alignment, in order, with the Medinan version, followed by the Meccan version. Additionally, the manuscript exhibits greater affinity with the recitational tradition of the Medinan qurra (reciters).

Keywords: Paris–St. Petersburg Codex, Quranic Codices (Masahif), Qira'at, Verse Enumeration ('Ad al-Ayat), Orthography (Rasm al-Khat).

*. **Date of receiving:** 16/01/2024, **Date Revised:** 13/06/2024, **Date of approval:** 04/08/2024.

1. PhD Candidate, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran (Corresponding Author). m.sarvmaily@gmail.com.

2. Associate Professor, University of Quranic Sciences and Education, Faculty of Quranic Sciences, Mashhad, Iran. shahpasand@quran.ac.ir.



رسم الخط و قرائت مصحف پاریس - سن پترزبورگ *

مرضیه سرومیلی^۱ و الهه شاه پسند^۲



چکیده

روایات اسلامی در موضوعات تاریخ قرآنی محدود و گاه متناقض هستند؛ بنابراین، استفاده از آنها برای تبیین همه ابعاد تاریخ قرآن کارآمد نیست. در دوره اخیر، برخی قرآن‌پژوهان غربی در پذیرفتن روایات اسلامی تشکیک کرده و به این ترتیب، تاریخ شکل‌گیری قرآن را بسیار متأخر تعیین کرده‌اند. بنابراین، محققان برای رفع مشکلات پیش‌گفته، به مطالعه شواهد فیزیکی و باستانی باقی‌مانده از قرون نخستین اسلامی مانند پاپیروس‌ها، کتیبه‌ها و نسخه‌های خطی پرداخته‌اند. پژوهش حاضر در راستای تبیین گوشه‌ای از ابعاد تاریخ قرآن، به بررسی و تحلیل یکی از نسخه‌های کهن قرآنی، نسخه پاریس - سن پترزبورگ موجود در کتابخانه ملی فرانسه و کتابخانه ملی روسیه که برخی از سوره‌های نیمه دوم قرآن را در بر می‌گیرد، پرداخته است. این پژوهش بر آن است که ضمن تعیین تاریخ کتابت این مصحف کهن، تا حد امکان به قرائت رایج در نگارش مصاحف قرآنی در زمانی نزدیک به نزول قرآن کریم دست یابد. از این رو، علاوه بر معرفی کلی این نسخه حجازی کهن، جوانب مختلف نسخه‌شناسی، رسم الخط، املاء، قرائت و نظام عدالائی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که با روش تاریخ‌گذاری بر پایه ابزارهای تعیین قدمت مصحف مانند خط‌شناسی، مصحف‌شناسی، آزمایش کربن ۱۴ و نیز مطالعه رسم الخط، علائم و نقاط موجود در نسخه، تاریخ کتابت این مصحف به نیمه اول قرن اول می‌رسد و نظام عدالائی آن بیشترین مطابقت را به ترتیب با نظام مدنی و سپس مکی دارد. به لحاظ اختلاف قرائت نیز قرابت بیشتری با قرائت قاریان مدنی دارد.

واژگان کلیدی: نسخه پاریس - سن پترزبورگ، مصاحف مخطوط، قرائات، عدالائی، رسم الخط.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵ و تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۳/۲۳ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول). ..m.sarvmail@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی مشهد، ایران. i.shahpasand@quran.ac.i



مقدمه

منبع اصلی کتاب‌هایی که در زمینه تاریخ قرآن نگاشته شده‌اند، گزارش‌های اسلامی است (دروزه، ۱۳۵۹). چه در میان نسل پیشین محققان غربی، مانند نولدکه^۱ (د. ۱۹۳۰م) که در تاریخ قرآن خود بیشترین ارجاعات را به گزارش‌های اسلامی داشته است (رحیمی ریس، ۱۳۸۲)، و چه در میان مسلمانانی که پس از نولدکه به نگارش کتبی با عنوان تاریخ قرآن روی آوردند، مهم‌ترین منبع آنها نیز گزارش‌های اسلامی درباره جمع قرآن است (Burton, 1977). رامیار بعد از بررسی روایات مزبور اذعان می‌کند که استفاده از این منبع، به دلیل وجود روایات محدود و متناقض در یک موضوع، مشکلاتی را در پی داشته است (رامیار، ۱۳۷۹). برای رفع این مشکلات، پژوهشگران به شواهد فیزیکی و باستانی به‌جای مانده از قرون نخستین اسلامی روی آوردند.

شواهد مادی برجای مانده از ادوار گذشته، نقش مهمی در درک بهتر تاریخ قرآن ایفا می‌کنند؛ زیرا این مدارک رخدادهای گذشته را به‌طور عینی به‌نمایش می‌گذارند و در نتیجه، دقیق‌تر و یقین‌آورترند. نسخه‌های کهن قرآنی یکی از مهم‌ترین این‌گونه منابع هستند که برای تحلیل جامع آنها، علوم مختلفی مانند کتیبه‌شناسی، پاپیروس‌شناسی، باستان‌شناسی، خط‌شناسی و نسخه‌شناسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از نظر دروش، مجموعه این علوم، امکان تعیین تاریخ و حتی محل به وجود آمدن نسخه را به‌گونه‌ای دقیق‌تر و کامل‌تر فراهم می‌کنند (دروش، ۱۳۸۰).

این مقاله قصد دارد به بررسی رسم الخط، قرائات، عدّ الآی و برخی دیگر از ویژگی‌های متن نسخه پاریس - سن پترزبورگ پرداخته و از این طریق، تاریخ کتابت آن را تا حدّ امکان تعیین کند. "Arabe 328" در کتابخانه ملی فرانسه، نه به یک قرآن واحد، بلکه به یک مجموعه با شش بخش a, b, c, d, e و f اطلاق می‌شود که لزوماً متعلق به یک مصحف نیستند. در عین حال، دروش دو قسمت a و b و "Marcel 18" را متعلق به یک مصحف دانسته است (دروش، ص ۴۶) که براساس ویژگی‌های مصحف‌شناسی، در حدود ۵۰-۷۵ق نوشته شده است. این مصحف حاوی ۹۸ برگ است که ۷۰ برگ آن در پاریس (با شماره ثبت BNF Arabe 328a، برگه‌های ۱-۵۶؛ شماره ثبت BNF Arabe 328b، برگه‌های ۵۷-۷۰)؛ ۲۶ برگ آن در سن پترزبورگ (با شماره ثبت Marcel 18, f. 1-24 & 45-46)؛ یک برگ در کتابخانه واتیکان (با شماره ثبت Vat. Ar. 1605/1)؛ یک برگ در مجموعه ناصر خلیلی (با شماره ثبت KFQ 60) نگهداری می‌شود (Powers, 2011). نگهداری بخش بیشتر این مصحف در پاریس و سن پترزبورگ باعث شده این مصحف به مصحف پاریس - سن پترزبورگ معروف شود.

1. Theodor Noldeke (1836-1930).

این مصحف یکی از کهن‌ترین نسخه‌های به‌جای مانده از قرن اول هجری است که با مطالعه آن می‌توان از وضعیت تاریخی کتابت قرآن در سال نخست هجری آگاهی یافت. همچنین، با توجه به داده‌ها و دلایلی که ارائه می‌دهد، صحت نظریه‌های برخی مکاتب فکری مبنی بر اینکه نگارش نص قرآن در اواخر سده دوم هجری تکامل یافته است، تضعیف و یا رد می‌شود. این مصحف، منبعی در دسترس است که روایت شفاهی قرآن را تا حدی منعکس می‌کند و می‌تواند اطلاعات ارزشمندی درباره برخی قرائات یا قواعد املائی دوران کتابت نسخه یا بعد از آن به دست دهد. از سوی دیگر، اصلاحات و تغییرات صورت‌گرفته در این نسخه توسط افراد دیگر به‌عنوان مصحح، نشان از تحول دیدگاه‌ها نسبت به این نسخه و جایگاه آن در فرهنگ اسلامی دارد.

پیشینه تحقیق: در زمینه نسخه‌شناسی مصاحف قرآنی تاکنون پژوهش‌های زیادی انجام شده است؛ مانند: مقاله «مصحف صنعاء ۱ و مسئله خاستگاه قرآن» (گودرزی و صادقی، ۱۴۰۰). ایشان در این مقاله به تحلیل متن زیرین مصحف صنعاء ۱ با سایر سنت‌های متنی موازی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که این مصحف، مصحف یکی از صحابی‌ان پیامبر ﷺ با گونه متنی غیر عثمانی است. کریمی‌نیا در مجموعه مقالات خود با عنوان «نسخه‌شناسی مصاحف قرآنی»، شماره‌های ۱ تا ۱۶، از جمله «قرآن کوفی ۴۲۵۱ موزه ملی ایران»، «قرآن شماره ۴۲۵۶ موزه ملی ایران»، «مصحف نجف»، «قرآن ۱۲۰۰ در موزه آستانه حضرت معصومه علیها السلام» به معرفی و تحلیل مصاحفی از موزه‌های نجف، مشهد، قم و... پرداخته است؛ همچنین می‌توان به اثر دیگر وی در این زمینه با عنوان «مصحف المشهد الرضوی: اثر فی تاریخ القرآن من القرن الاول الهجری» اشاره نمود که در آن تاریخ و مکان کتابت، نوع رسم الخط و اختلاف قرائت مصحف مذکور بیان شده است. وی این مصحف را یک نسخه قدیمی از نص قرآن متعلق به قرن اول هجری می‌داند که به خط حجازی در حجاز نگاشته شده و ترتیب سور آن مطابق با مصحف ابن مسعود تنظیم شده است.

مقاله «بررسی قرائت مصاحف منسوب به ائمه علیهم السلام» از شاه‌پسند و ملایی عشق آباد (۱۳۹۸ش، مطالعات قرائت قرآن، ش ۱۲، صص ۲۳۱-۲۵۶) نیز به بررسی مولفه‌های اختلاف قرائات، قواعد املائی و رسم الخط چهار مصحف از کتابخانه آستان قدس رضوی پرداخته است. مقاله «مصحف سن‌پترزبورگ و جایگاه آن در مطالعات تاریخ قرآن کریم» از توکلی و محمدی انویق (۱۳۹۵ش، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث ش ۶۰، صص ۱۳۴-۱۶۵) نیز ویژگی‌های رسم مصحف را با رسم مصحف عثمانی و قرائات مشهور مقایسه کرده‌اند تا میزان تطابق آن را بسنجند و شناخت بهتری از پیشینه رسم عثمانی به دست آورند. لازم به ذکر است این مصحف کاملاً متفاوت با مصحف مورد مطالعه در



این پژوهش است. همچنین مستفید و توکلی در اثر خود «مصحف شریف منسوب به امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام نسخه شماره یک مشهد رضوی» (۱۳۹۷) و ویژگی‌های ظاهری مصحف، قرائت و فواصل آیات و نیز شکل‌ها و علائم را بیان نموده‌اند. توسلی در مقاله «تحلیلی بر مصاحف قرآنی مکتب هرات براساس منابع آستان قدس رضوی» (۱۳۹۵ش، آستان هنر، شماره ۱۸، صص ۱۰-۲۷) به تحلیل تہذیب و آرایه‌های هنری این مکتب هنری بر اساس مصاحف قرآنی پرداخته است.

طیار آلتی قولاج نیز در آثار خود «المصحف الشريف إلى عثمان بن عفان» (نسخه طوبقابی سرای؛ نسخه متحف الآثار التركيه و الإسلاميه و نسخه المشهد الحسيني) به مطالعه تطبیقی و تحلیل فنی این مصاحف از منظر تاریخی، هنری و ویژگی‌های نگارشی و مادی، به‌ویژه حروف و صفحات این مصاحف پرداخته است. آلبا فدلی^۱ نیز در اثر خود تحت عنوان «پروژه دیجیتال پالمپست‌های قرآنی» (۲۰۱۱) متن نسخه‌های خطی قرآن و پالمپست‌های مینگانا در دانشگاه بیرمنگام را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. وی همچنین در مقاله «مصحف صنعاء در کتابخانه دانشگاه توینگن» ویژگی‌های رسم الخطی و قرائت این مصحف را بیان کرده است. حمدون نیز در رساله خود با عنوان «المخطوطات القرآنية في صنعاء منذ القرن الاول الهجري و حفظ القرآن الكريم بالسطور» (۲۰۰۴)، به تصحیح و بازنویسی لایه رویی چهل برگ دیگر از مصحف صنعاء پرداخته و اختلافات املائی را مشخص نموده است. آلن جورج^۲ نیز مقاله‌ای تحت عنوان «نقطه‌های رنگی و مساله خاستگاه قرآن‌های کهن» (۲۰۱۵) در دو بخش نگاشته است. این مقاله در زمینه آوانگاری یا نحوه قرائت مخطوطات قرآنی است.

اما اثر مرتبط با مصحف مورد بررسی این پژوهش، مقاله «یک مصحف کهن مطابق با قرائت ابن‌عامر» از یاسین داتن می‌باشد که مصحف عرب ۳۲۸a را از جنبه قرآنی و عدالائی مورد بررسی قرار داده و آن را از جمله نسخه‌های اولیه قرآنی مطابق با قرائت ابن‌عامر دمشقی معرفی کرده است (Dutton, 2001).

اثر دیگر، کتابی از فرانسوا دروش است. وی در «قرآن‌های عصر اموی»، مصحف پاریس-سن پترزبورگ را بررسی نموده است. تاریخ کتابت این مصحف را به ربع سوم قرن اول هجری منسوب کرده و آن را یکی از کهن‌ترین شواهد تولید کتاب در عصر اموی دانسته است. در حوزه قواعد املائی که بخش مفصلی را به خود اختصاص داده است، مواضع کاتبان را بر مبنای پنج واژه مورد ارزیابی قرار داده و در

1. Alba Fedeli.

2. Alain George.

نهایت به این نتیجه رسیده است که کاتبان در حین رونویسی مصحف، در ارتقای رسم الخط بر اساس دیدگاه شخصی خود کوشیده‌اند. وی همچنین عدالای این مصحف را مورد بحث قرار داده و در انتها بیان کرده که نظام عدالای آن با فهرست استاندارد شمارش آیات نظام‌دهی نشده است. در زمینه قرائت نیز بسیار کوتاه سخن گفته و با استناد به مقاله یاسین داتن دربارهٔ a۳۲۸، قرائت این نسخه را به طور کلی مطابق با قرائت ابن‌عامر شامی معرفی کرده و به همه بخش‌های مصحف پاریس-سن پترزبورگ تعمیم داده است.

فرانسوا دروش در تحلیل مصحف پاریس-سن پترزبورگ بیشترین تمرکز را بر شیوه کتابت چند کلمه از سوی کاتبان نسخه داشته و به تحلیل همه جوانب مصحف به‌طور گسترده‌تر و کامل نپرداخته است. داتن نیز تنها به نسخه عرب ۳۲۸ پرداخته و در بررسی آن به دو بعد قرائت و عدالای توجه داشته است؛ زیرا وی کوشیده است تا قرائت این نسخه را به قرائت ابن‌عامر دمشقی نسبت دهد.

مصحف پاریس-سن پترزبورگ یکی از نسخه‌های قرآنی بسیار کهن به‌جای مانده از قرن نخست هجری است که تاکنون به‌صورت مستقل از جنبه‌های مختلف رسم الخط، قرائت، تذهیب و املائی کاتب مورد بررسی قرار نگرفته است. این مقاله بر آن است تا با بررسی مؤلفه‌های پیش‌گفته، تا حد امکان به تعیین مکان و زمان کتابت این مصحف نزدیک شود.

روش‌شناسی: روش تاریخ‌گذاری این مصحف بر پایه ابزارهای تعیین قدمت مصحف مانند خط‌شناسی، مصحف‌شناسی، آزمایش کربن ۱۴ و نیز مطالعه رسم الخط، علائم و نقاط موجود در نسخه صورت گرفته است. برای بررسی و تحلیل دقیق‌تر نسخه‌ها و مقایسه آن‌ها با دیگر نسخه‌ها و نقش‌های عربی کهن از جنبه‌های مختلف رسم الخطی و قرآنی استفاده شده است.

الف. معرفی نسخه پاریس - سن پترزبورگ

این نسخه دارای ۱۹۶ صفحه در قطع عمودی است که بر روی پوست نگاشته شده و اندازه تقریبی برگه‌ها ۳۳×۲۴ سانتیمتر^۱ است. مصحف پاریس-سن پترزبورگ با آیات پایانی سوره بقره آغاز شده و به آیات ابتدایی سوره جن ختم می‌شود. برخی سوره‌ها کامل‌اند و در برخی دیگر افتادگی‌هایی وجود دارد؛ مانند: بقره (۲۷۵-۲۸۶)، مانند (۱-نیمه ۳۳)، انعام (۲۰-۱۶۵)، انفال (۱-۷۲)، توبه (۶-۱۲۹)، یونس (۱-۱۰۹)، هود (۱-۳۶)، فصلت (۳۱-۵۴)، احقاف (۲-۸)، ممتحنه (۷-۱۳)، منافقون (۱-۸)، ملک (۱-۲۶) و جن (آیه اول).

1 . <https://corpuscoranicum.de/en/manuscripts/157/page/57v?sura=41&verse=44>.



دروش با بهره‌گیری از ابزارهای تعیین قدمت مصاحف قرآنی مانند مصحف‌شناسی و خط‌شناسی، انواع شیوه‌های قرآن‌نویسی را به شش دسته A، B، C، D، E، F تقسیم کرده است. مبنای مقایسه مصاحف را حروفی مثل «الف»، «میم»، «نون» و «هاء» قرار داده و زیرگروه هر یک را با عددی رومی طبقه‌بندی کرده است. وی این مصحف را از دسته A به سبک حجازی ۱ دانسته است (دروش، ۱۳۷۹). دست‌نوشته‌های دسته A بسیار به سبک حجازی شبیه است، اگرچه ویژگی‌های سبک عباسی نخستین را نیز در نحوه نگارش حروف دارد. این نمونه‌ها متعلق به قرن اول هجری هستند. دسته B شامل نسخه‌هایی می‌شود که در نگارش آنها از الگوهای حجازی تبعیت نشده و متعلق به قرن دوم تا اواخر قرن سوم هجری است. دسته C به قرن چهارم هجری می‌رسد. دسته D نسخه‌های متعددی از قرون سوم و چهارم را دربردارد. دسته E دربرگیرنده دست‌نوشته‌هایی است که به قرون سوم و چهارم قمری می‌رسند. آخرین دسته F است که همه دست‌نوشته‌های آن فاقد تاریخ است، اما می‌توان آن را متعلق به سده دوم هجری دانست (همان).

در سایت کورپوس کورانیوم، تاریخ تخمینی نگارش مصحف پاریس، عرب ۳۲۸ (a,b) سال ۷۵۰م/۱۳۲ق و زادگاه آن فسطاط تعیین شده است. مصاحف فسطاط در اواخر سده اول و اوایل سده دوم هجری عمدتاً به سبک حجازی در قطع عمودی کتابت می‌شدند. برخلاف بیشتر نسخه‌های قرآن به سبک حجازی، در برخی از این مصاحف مصوت‌های کوتاه یا اعراب با نقطه‌های قرمز رنگ وجود دارد که بعد از اتمام کتابت متن به آن افزوده شده است. دستخط مصاحف فسطاط، از جمله: Arabe 332، Arabe 330 (کتابخانه ملی فرانسه) و نسخه مارسل ۱۵ سن پترزبورگ (کتابخانه ملی روسیه)، دارای هماهنگی و انسجام بیشتری نسبت به برخی مصاحف و مخطوطات به سبک حجازی است.

در این نسخه‌ها به تدریج تغییراتی به چشم می‌خورد و رسم الخط در حال تکامل است. به عنوان مثال، «قال» در بیشتر موارد با رسم الخط کامل نوشته شده است. عدم ذکر نام سوره از ویژگی‌های بارز اکثر مصاحف این دوره است. در دوران استساخ مصاحف فسطاط، کاتبان سبک خاصی را برای کتابت آموخته و به کار می‌بسته‌اند. از این رو، در این دوران مفهوم دستخط قرآنی آغاز می‌شود، به طوری که فرانسوا دروش مصاحف فسطاط را براساس دستخطشان به گروه اموی الف ۲ مرتبط می‌داند (دروش، ۱۳۹۴).

برخی ویژگی‌های کهن در دستخط این مصحف عبارت‌اند از:

۱. ترسیم علامت‌های پایان آیات به صورت چهار نقطه روی هم به شکل مربع و بسیار ساده.
۲. نگارش مصحف با خط حجازی، با الف‌های مایل به راست و با قلم نازک و عاری از هر گونه نقطه‌گذاری اعجام و اعراب.

۳. نگارش حروف، کلمات و سطر بندی بسیار ساده.
۴. فاصله اندک میان سطور و فرورفتگی برخی حروف در دو سطر متوالی (تعداد سطرها زیاد است و تمام فضای صفحه را در بر گرفته است).
۵. استفاده از روش پیوسته نگاری. در این روش، حروف به صورت نسبتاً منظمی در صفحه پراکنده شده اند و هر جا که فضای کافی برای نگارش یک کلمه نباشد، آن کلمه در پایان سطر شکسته و ادامه آن در ابتدای سطر یا صفحه بعدی نوشته می شود (دروش، ۱۳۹۴).

ب. رسم الخط

رسم الخط به طور کلی دو نوع است: اولی رسم قیاسی است که در آن نحوه نگارش کلمه با تلفظ آن مطابقت دارد و دومی رسم اصطلاحی است که همان رسم عثمانی است؛ یعنی آنچه که صحابه در مصاحف کتابت کردند و در بیشتر موارد با قواعد رسم قیاسی موافق است (الحمد، ۱۴۳۷). از جمله ویژگی های رسم عثمانی، کتابت الف به صورت واو در کلماتی مانند «الصلوة» و «الزکوة» (سلیمان بن نجاح، ۱۴۲۳ق؛ مارغنی، بی تا)، عدم ثبت الف در برخی کلمات مانند «سموت»، «صلحت»، «ملک» و کتابت و یاء در کلمه «یحیی» و مشتقات آن است که در رسم عثمانی برای جلوگیری از اجتماع دو یاء در رسم، یاء دوم به صورت الف نوشته می شود (مهدوی، ۱۴۳۰؛ دانی، ۱۴۳۶؛ الحمد، ۱۴۰۲ق)، که در این مصحف نیز به چشم می خورد؛ مانند: «فاحیی» (جائیه: ۵) صفحه ۱۳.

باید توجه کرد که رسم و املا کلمات در نسخه های قرآنی کهن کاملاً مطابق رسم الخط عثمانی نیست، بلکه در برخی موارد مانند شیوه نگارش همزه، واو و یاء و به خصوص در ثبت الف، با آن مخالف است. مصحف پاریس - سن پترزبورگ نیز از این امر مستثنی نیست. این پژوهش، برای سنجش رسم الخط نسخه پاریس - سن پترزبورگ، رسم عثمانی را بر مبنای آنچه در کتب متقدم مانند مختصر التبیین سلیمان بن نجاح، المصاحف سجستانی و المقنع دانی درباره ویژگی های رسم منسوب به عثمان گزارش شده است و نیز مصحف قاهره، مورد بررسی قرار داده است. بیشترین اختلاف در رسم الخط این مصحف با مصحف عثمانی، با توجه به منابع فوق الذکر در عدم ثبت الف میانی کلمات است. دانی در توصیف مصاحف عثمانی بیان می کند کلمه «قرآن» همه جا با اثبات الف آمده به جز در دو مورد: یوسف: ۲ و زخرف: ۳ (دانی، ۱۴۳۶ق)، در حالی که در این مصحف در شوری: ۶ در صفحه ۱۱۵ هم بدون همزه و الف میانی کتابت شده است.



اختلافات دیگری نیز در کتابت آن به چشم می‌خورد؛ از قبیل: ۱. ثبت دندانه‌اضافی. ۲. تبدیل حروف واو و یاء آخر به الف. ۳. ثبت الف در انتهای برخی کلمات. به عنوان نمونه، مولف کتاب الهجاء با استناد به ابن مهران نیشابوری (د. ۳۸۱ق) نقل می‌کند که در رسم عثمانی در کل قرآن کلمه «ذوا» با الف و به شکل «ذوا» کتابت شده، مگر در شش موضع که اینهاست: یوسف: ۶۸؛ غافر: ۱۵؛ فصلت: ۴۳؛ جمعه: ۴ و بروج: ۱۵ (مجهول، ۱۴۳۳ق). اما به گفته دانی، این کلمه در رسم عثمانی در مواضع دیگر نیز بدون الف کتابت شده است، مانند: الرحمن: ۲۷، فصلت: ۳۵ و ۵۱، و طلاق: ۷ (دانی، ۱۳۵۹ق). از سوی دیگر، همین موارد در این مصحف با الف نگارش شده است. ۴. وجود کلمات منتهی به واو؛ مانند راو (یونس: ۵۴)، لوی (منافقون: ۵) و جزا (مانده: ۲۹). ۵. نگارش همزه بدون پایه که به ویژگی‌های خط عربی در عصر پیامبر (ص) و قبل از آن نزدیک است.

رسم این مصحف به املائی عربی در تعدادی از نقش‌های عربی پیش و بعد از اسلام که تا حد زیادی از قواعد خط نبطی پیروی می‌کنند، شباهت‌های بسیاری دارد (الحمد، ۱۴۰۲ق). به طوری که تاریخ کتابت این مصحف را به نیمه اول قرن اول هجری می‌رساند. برای مثال، در نقش حران که متعلق به تاریخ ۵۶۸ میلادی و متنی به خط عربی است، الف میانی در کلماتی چون «ظلمو» (ظالمو) و «شرحیل» کتابت نشده است؛ در این مصحف نیز الف میانی در بسیاری از کلمات ثبت نشده است، مانند «ظلمی» (نساء: ۹۷) و «قدر» (انعام: ۳۷)؛ در نقش حران، تاء تانیث موجود در انتهای کلمات به شکل تاء کشیده کتابت شده است، مانند: «سنت». این خصیصه در قدیمی‌ترین نقوش نبطیه هم دیده شده است، مانند: رسم تاء کشیده در «حرث»، «جذمیت». این نوع نگارش در رسم کلمات «رحمت» (زخرف: ۳۲) و «اعراف: ۵۶)؛ «نعمت» (مانده: ۱۱) و «ابراهیم: ۲۸)؛ «کلمت» (انعام: ۱۱۵) و «یونس: ۳۳) در این مصحف نیز به چشم می‌خورد؛ همچنین برخی کلمات به واو اضافی منتهی شدند؛ مانند: نگارش کلمه «ظالم» به صورت «ظلمو» (ظالمو) (همان، ص ۷۴-۷۵). در نقوش و پاپیروس‌های به جامانده از قرن اول هجری نیز این ویژگی‌ها دیده می‌شود. برای نمونه، در پاپیروس PERF 558 موزه ملی اتریش در وین که تاریخ آن به سال ۲۲ق می‌رسد و به دو زبان عربی و یونانی نگارش شده است، در بیشتر کلمات مانند «جمدی» و «اصحبه» الف میانی ثبت نشده و تنها در دو کلمه «شاه» و «ثقله» الف میانی دیده می‌شود. در نقش قاهره یا کتیبه اسوان که متعلق به سال ۳۱ق است نیز کلمات فاقد الف میانی هستند؛ مانند: «الرحمن»، «الکتب». کلمه «سنة» نیز با تاء کشیده به شکل «سنت» نوشته شده است (Abbott, 1939; GHabban, 2008).

در مصحف پاریس - سن پترزبورگ حرف یاء در انتهای کلمه «مضی» (زخرف: ۸) با الف به صورت «مضا» کتابت شده است (ص ۱۱۹). در سنگ نوشته ای کوفی در غرب طائف نیز کلمه «علی» با الف به صورت «علا» کتابت شده و کلمات «یا ایها» و «ملائکه» بدون الف میانی به شکل «یا ایها» و «ملیکه» نوشته شده اند (Miles, 1948). موارد بررسی شده حاکی از آن است که شباهت هایی میان رسم الخط مصحف پاریس - سن پترزبورگ و شیوه نگارش خط عربی در نقوش، کتیبه های کهن عربی و خط بنطی یافت می شود که این امر تاریخ نگارش این مصحف را به دوران کتابت مصاحف عثمانی و یا پیش از آن می رساند.

شایان ذکر است قدمت این مصحف با استفاده از روش آزمایش کربن ۱۴ حدود سال ۷۵۰ میلادی، یعنی زمانی در قرن دوم هجری، تعیین شده است، در حالی که به کارگیری دیگر روش های تاریخ گذاری نسخه های خطی مانند پالیوگرافی، مصحف شناسی، رسم الخط، مطالعه علائم و نقط موجود در نسخه و... تاریخ کتابت این مصحف را به نیمه اول قرن اول هجری می رساند. اگرچه روش آزمایش رادیو کربن در تعیین قدمت نسخ خطی بسیار کمک کننده است، اما نتایج حاصل از تاریخ گذاری رادیو کربن چندان دقیق و قابل اعتماد به نظر نمی رسد؛ به عنوان مثال: آزمایش کربن ۱۴ بر روی نسخ خطی Or.14 545 لیدن، توسط آزمایشگاهی در زوریخ آزمایش شد. نتایج آزمایش نشان داد که قدمت نسخه بین سال های ۶۵۲-۷۶۳ میلادی می باشد که ۹۵.۴ درصد احتمال دارد به معنای دو بازه زمانی احتمالی که با یکدیگر همپوشانی ندارند: ۱. بازه ۴۲ ساله بین سال های ۶۵۲-۶۹۴ میلادی که ۸۹.۳ درصد محتمل است؛ ۲. بازه زمانی ۱۶ ساله، بین سال های ۷۴۷-۷۶۳ میلادی که ۶.۱ احتمال دارد. در حالی که نوسدا تاریخ این نسخه را در قرن نخست هجری تخمین زده بود (Noseda, 2000). همچنین پاپیروس Wadi Seyal که دارای تاریخ و متعلق به سال های ۱۳۰-۱۳۱ بعد از میلاد است، آزمایش رادیو کربن تاریخ آن را ما بین سال های ۲۸-۱۲۲ بعد از میلاد تعیین کرده است (Bonani, 1992). در نتیجه، برای تاریخ گذاری نسخه های خطی علاوه بر روش آزمایش کربن ۱۴ لازم است از دیگر روش های تعیین قدمت نیز استفاده نمود و به این طریق ضریب خطا را کاهش داد.

۱. ارتباط نسخه با تاریخ نگارش قرآن

بر اساس تاریخ گذاری مصحف پاریس - سن پترزبورگ و تعیین قدمت آن، این مصحف شاهی عینی است در رد نظریه «تجدید نظر طلبان»^۱ کسانی که روایات سنتی را نادرست می دانند. برخی از ایشان توحید مصاحف توسط عثمان را انکار می کنند و برخی دیگر معتقدند تغییرات عمده در متن رسمی بعد

1. revisionists



از عثمان در عهد عبدالملک اموی و حجاج بن یوسف رخ داده است زیرا متن قرآن بسیار دیرتر از این زمان شکل گرفته است. عده‌ای مانند جان ونزبرو بر این باورند که تثبیت متن قرآن در اواخر قرن دوم هجری و حتی بعد از آن بوده است (صادقی و گودرزی، ۱۴۰۰). در حالی که این مصحف کهن، تاریخ کتابت آن به نیمه اول قرن اول هجری می‌رسد و رونوشتی از مصحفی کهن‌تر بوده که توسط کاتبان نگاشته شده است، مؤید روایات اسلامی مبنی بر جمع قرآن در زمان حیات رسول الله ﷺ و تحت نظر آن حضرت است. به علاوه، ویژگی‌های رسم‌الخطی این نسخه نشان می‌دهد نه تنها هیچ‌گونه تغییر و تحریفی در عبارات آیات قرآن در طول قرن‌ها رخ نداده، بلکه مراحل تدوین قرآن در زمانی پیش از خلافت عثمان آغاز و تا بعد از عثمان نیز ادامه داشته است.

۲. ارتباط نسخه با تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

نسخ خطی نمایانگر بخشی از تاریخ و تمدن یک قوم است. بررسی و تبیین این نسخه‌ها بخش‌هایی از فرهنگ و هویت جامعه‌ای که این نسخه‌ها در آن تدوین شده است را بازگو می‌کند. برگه‌هایی که مصحف پاریس - سن پترزبورگ بر روی آن کتابت شده از جنس پوست طبیعی حیواناتی مانند گاو، گوسفند و بز است. این نشان می‌دهد که در آن دوره زمانی، استفاده از پوست برای کتابت رواج داشته و این صنعت به میزان لازم پیشرفت کرده بود. از آنجا که تهیه و تولید پوست برگه‌ها بسیار گران و هزینه‌بردار بود، برای کتابت اسناد رسمی، عقود و دیگر امور مهم به کار می‌رفت. انتخاب این نوع برگه در این مصحف برای نگارش قرآن کریم از سوی کاتبان حاکی از میزان اهمیتی است که برای حفظ و ماندگاری آیات قرآن قائل بودند؛ زیرا کتابت بر روی پوست مقاومت بسیاری در برابر آتش و اختلاف دما داشت، دو طرف برگه قابل استفاده بود و امکان تمییز کردن و پاک کردن نوشته‌ها و کتابت دوباره بر روی آن نیز وجود داشت. بنابراین، به کارگیری پوست برگه و مرکب مناسب و با کیفیت، نشان از جایگاه و نقش مؤثر کاتبان و رواقان در کتابت نسخه در صدر اسلام دارد.

این مصحف به دست چندین کاتب کتابت شده که نشان از وجود فرهنگ همکاری، تعاون و نوعی مشارکت در کتابت مصحفی گران بها دارد که قرار بود در مکانی پراهمیت نگه‌داری شود یا در اختیار فردی مهم قرار گیرد. حتی می‌تواند بازگوکننده نگاهی دینی کاتبان به معنای سهم بودن در نگارش کتاب مقدس قرآن باشد.

سادگی، عدم توجه به صفحه‌آرایی و تذهیب، عاری بودن نسخه از هرگونه علائم و نقطه، سبک حجازی و نحوه نگارش کلمات، دورانی را به تصویر می‌کشد که خط و کتابت مراحل اولیه خود را طی می‌کرد. به طوری که زیبایی‌نگاری در میان کاتبان جامعه مرسوم نبوده است. مهم‌ترین مشخصه یک

کاتب، توانایی خواندن و نوشتن بود که امتیازی بزرگ محسوب می‌شد، حتی اگر کاتب بدخط یا نامنظم می‌نوشت؛ زیرا در آن دوران فرهنگ سوادآموزی فراگیر نبوده و تعداد افراد باسواد زیاد نبوده‌اند و آنچه بیش از هر چیز اهمیت داشت، سعی در نگارش صحیح کلمات و حفظ و ثبت نوشته‌ها بود که در این نسخه مشهود است.

د. خطای کاتب و اصلاحات متن

در بیشتر مصاحف کهن قرآنی باقی مانده از قرون اولیه، اشتباهاتی در نگارش کلمات مشاهده می‌شود که اغلب به دلیل فراموشی، سهل‌انگاری و یا ناآگاهی کاتبان از املای صحیح کلمات رخ داده است؛ مانند جا انداختن برخی از حروف و کلمات، قرار دادن حروف یا دندانه‌های اضافی، جابه‌جایی و تکرار حروف و کلمات. در مصحف پاریس- سن پترزبورگ، برخی از این خطاها دست‌نخورده باقی مانده و برخی دیگر توسط کاتب اصلاح شده است. مواردی نیز با جوهری متفاوت که بعداً اضافه شده، اصلاح شده‌اند. همچنین، مصححی بخش‌هایی از متن را که به مرور زمان کم‌رنگ شده‌اند، با جوهری دیگر بازنویسی کرده است.

در این مصحف، مواردی از خطای کاتبان وجود دارد که بیشتر آنها بدون اصلاح رها شده‌اند. لازم به ذکر است که این موارد در چند کتاب قرائت و شواذ بررسی شده، اما قرائتی مطابق با آنها یافت نشد. برخی از اشتباهات کاتبان به شرح زیر است:

جدول شماره (۱): خطاهای اصلاح نشده

تصویر	صفحه	*خطاهای کاتب	صورت کلمه در مصحف کنونی
	۱	«تَبْمٌ»	«تَبْتُمْ» (بقره: ۲۷۹)
	۱۳	«عَلِهِمْ»	«عَلَيْهِمْ» (آل عمران: ۱۵۴)
	۲۰	«وصییه»	«وَصِيَّةٍ» (النساء: ۱۲)
	۵۱	«قراطیس»	«قَرَاتِيْسٍ» (انعام: ۹۱)



	۵۸	مستقیم	«مُسْتَقِيمٍ» (انعام: ۱۶۱)
	۱۱۶	«بینا»	«بَيْنَنَا» (شوری: ۱۵)
	۱۱۵ و ۱۱۶	«من بعد ما جاءهم»	«مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمْ» (شوری: ۱۴)
	۱۱۹	«وبقدر»	«بِقَدْرِ» (زخرف: ۱۱)
	۱۱۹	«عبایده»	«عِبَادِهِ» (زخرف: ۱۵)
	۱۲۱	«نذبهن»	«نَذَّهَبْنَ» (زخرف: ۴۱)
	۱۲۱	«فلا تبصرون»	«فَلَا تَبْصُرُونَ» (زخرف: ۵۱)
	۱۲۴	«ليقولوا»	«لَيَقُولُونَ» (دخان: ۳۴)
	۱۲۶	«کا»	«كَانَ» (جاثیه: ۸)
	۱۴۰	«ولا تزيد»	«وَلَا تَزِدْ» (نوح: ۲۸)

در میان موارد فوق، «وَلَا تَزِدْ» (نوح: ۲۸) و «عبایده» (زخرف: ۱۵) ممکن است قرائت شاذی بوده باشند که گزارش نشده است. دندانده اضافی «عبایده» (زخرف: ۱۵) توسط مصحح بازنویسی و پورنگ شده است، که نشان می‌دهد مصحح نیز نحوه نگارش این کلمه را صحیح می‌دانسته است. از سوی

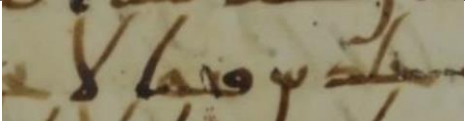

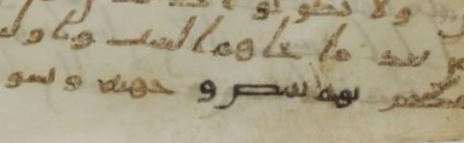


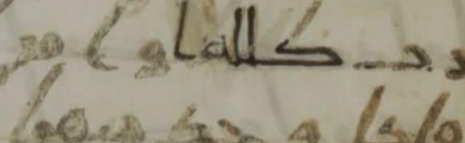
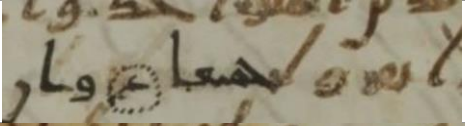

دیگر، در این نسخه برخی خطاها توسط خود کاتب اصلاح شده و برخی دیگر از کلمات نیز به وسیله قلمی متأخر بازنویسی شده‌اند. نمونه‌های آن در جدول زیر آمده است:

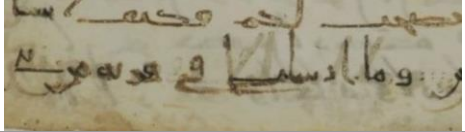
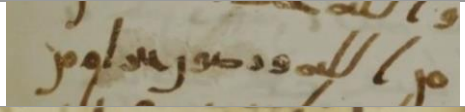
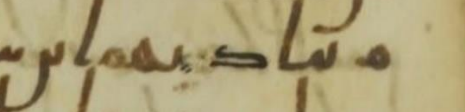
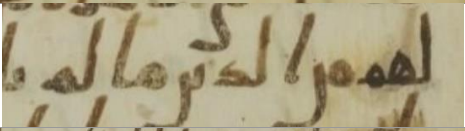
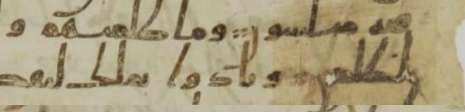
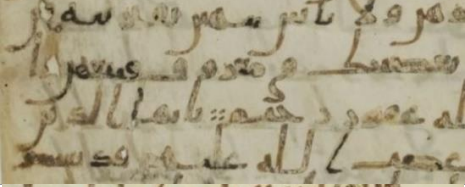
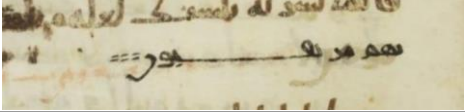
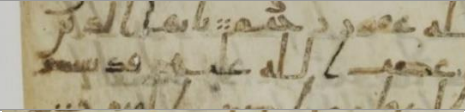
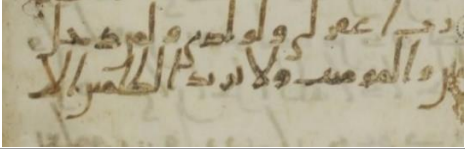

جدول شماره (۲): خطاهای تصحیح شده

تصویر	صفحه ۵	آیه و سوره	*خطاهای تصحیح شده توسط کاتب یا مصحح
	۱۰	آل- عمران: ۱۲۷	«أَوْ يَكْتُمُهُمْ» ←
	۳۳	النساء: ۱۰۳	«أَطْمَأْنَنْتُمْ» ←
	۳۹	النساء: ۱۶۴	«قَدْ» ←
	۶۹	الاعراف: ۱۲۴	«لَأَصْلِيَّتِكُمْ» ←
	۱۱۶	شوری: ۲۰	«وَمَنْ كَانَ» ← «من كان»
	۱۳۳	طلاق: ۶	«لَا تَصَارُوهِنَّ» ← «ولا تضاروهن» «ن»
	۱۴۰	نوح: ۲۳	«لَا تَذَرْنَ» ←
	۱۳۷	الحاقه: ۲۵	«أَوْتٍ» ← «اوت»



جدول شماره (۳): موارد بازنویسی شده با قلم متأخر

تصویر	صفحه	* موارد بازنویسی شده به قلمی متأخر
	۷	«فِيهَا» (آل عمران: ۸۸)
	۷	«أَصْلَحُوا» (آل عمران: ۸۹)
	۸	«يَوْمَ تَبْيَضُّ» (آل عمران: ۱۰۶)
	۱۷	«لَا تُخَلِّفُ» و «رسلک» (آل- عمران: ۱۹۴)
	۲۰	«يُوصِيكُمْ» (نساء: ۱۱)
	۲۰	«كَلَالَةً» (النساء: ۱۲)
	۲۸	«جَمِيعًا» (النساء: ۷۱) صفحه ۲۸
	۵۱	«كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا» و «جَنَاتٍ» (انعام: ۹۹)

	٦٧	«أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّبِيِّ» (الاعراف: ٩٤)
	٨٦	«رِضْوَانٍ خَيْرٌ أُمَّ» (توبه: ١٠٩)
	١١٤	«يُنَادِيهِمْ» (فصلت: ٤٧)
	١١٦	«أَلَهُمْ» (شورى: ٢١)
	١٢٢	«مُبْلِسُونَ» (زخرف: ٧٥)
	١٢٩	«لَا يَسْرِقُونَ، لَا يَأْتِينَ، فَبَايَعُهُنَّ» (ممتحنه: ١٢)
	١٢٣	«إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ» (دخان: ٥٩)
	١٢٩	«قَدْ يَسْأُوا» (ممتحنه: ١٣)
	١٤٠	«الْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَرِدِ» (نوح: ٢٨)
	١٣٧	«فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ» (الحاقة: ٢٤)



هـ. تذهیب و سروسورها

نسخه پاریس - سن پترزبورگ، مانند دیگر نسخه‌های متعلق به قرن نخست هجری که به خط حجازی کتابت شده‌اند، خالی از هرگونه تذهیب و سروسوره است. در این نسخه، همیشه میان دو سوره به اندازه یک یا دو سطر خالی فاصله قرار داده شده و کاتب نام سوره و تعداد آیات آن را ذکر نکرده است (از جمله در صفحات ۴۰، ۱۳۵، ۱۳۸ و ۱۳۹). با این حال، در برخی صفحات، سروسوره با رنگ قرمز و به صورت بسیار ساده و بدون تذهیب کتابت شده است که ضخامت قلم، رنگ و نحوه نگارش و فاصله خطوط نشان می‌دهد در دوره‌ای متأخر و تقریباً نزدیک به دوره کاتب اصلی، توسط فرد دیگری به نسخه اضافه شده و به مرور زمان کمرنگ شده‌اند؛ مانند فضای بین سوره‌های انعام و اعراف (ص ۵۹)؛ احقاف و ... (ص ۱۲۸)؛ و زخرف و دخان که در تصویر زیر قابل مشاهده است (ص ۱۲۳).

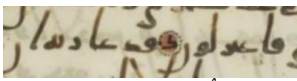
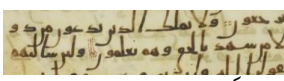
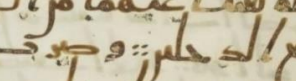
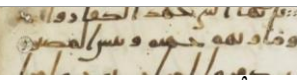
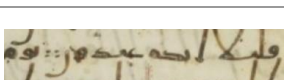
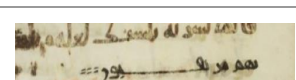


و. عَدَاآی

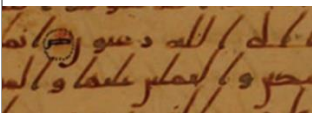
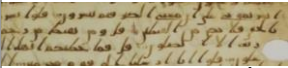
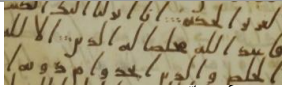
علائم جداسازی آیات در این مصحف معمولاً به صورت چهار نقطه کشیده به شکل مربع درج شده‌اند. اما در جایی که کاتب فضای کافی برای قرار دادن آن به شکل مربع نداشته، چهار نقطه را به صورت یک خط عمودی نگاشته است، مانند (ص ۱۱۹). در یک مورد که دنباله آیه توسط مصحح دوباره نگاشته شده است، وی علامت پایان آیه را با شکلی متفاوت از آنچه کاتب اصلی گذاشته، یعنی به صورت سه ستون دو نقطه‌ای در کنار هم رسم نموده است. (رک. تصویر دوم از ستون اول در جدول ذیل). نکته قابل توجه دیگر این است که کاتب در برخی سوره‌ها آخرین آیه را بدون قرار دادن علامت پایانی رها کرده و به کتابت سوره بعدی پرداخته است. این امر ممکن است ناشی از فراموشی یا بنا به تشخیص خود کاتب باشد.

یکی از مشخصه‌های قرآن‌های کهن این است که علامت‌های تخمیس و تعشیر بر روی علامت پایان آیه با جوهر دیگری ترسیم شده و گاهی به صورت نامنظم و در فضای کمی میان دو آیه یا در حواشی برگه‌ها قرار گرفته‌اند. این موضوع حاکی از اضافه شدن این نشانه‌ها در دوره‌ای بعد از کتابت نسخه است. این مصحف نیز از این قاعده مستثنی نیست. این علامت‌ها به وسیله خود کاتب مشخص نشده بلکه فرد دیگری آنها را قرار داده است (مانند صص ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۲، و ۱۳۶). نشانه‌های تخمیس به شکل الفی که قسمت انتهایی آن قلاب‌گونه است و اطراف آن با نقطه‌های ریز قرمز رنگ پوشیده شده، نگاشته شده است. همچنین برای تعشیر آیات، از دایره‌هایی به رنگ قرمز و مشکی استفاده شده است که در داخل آنها عدد آیه با حروف ابجد درج شده و به رنگ مشکی دیده می‌شود؛ مانند: «مُیْنَا» (نساء: ۲۰)، «سِیرَا» (نساء: ۳۰) ص ۲۳، (شوری: ۴۸) ص ۱۱۸ و (زخرف: ۱۶) ص ۱۱۹.

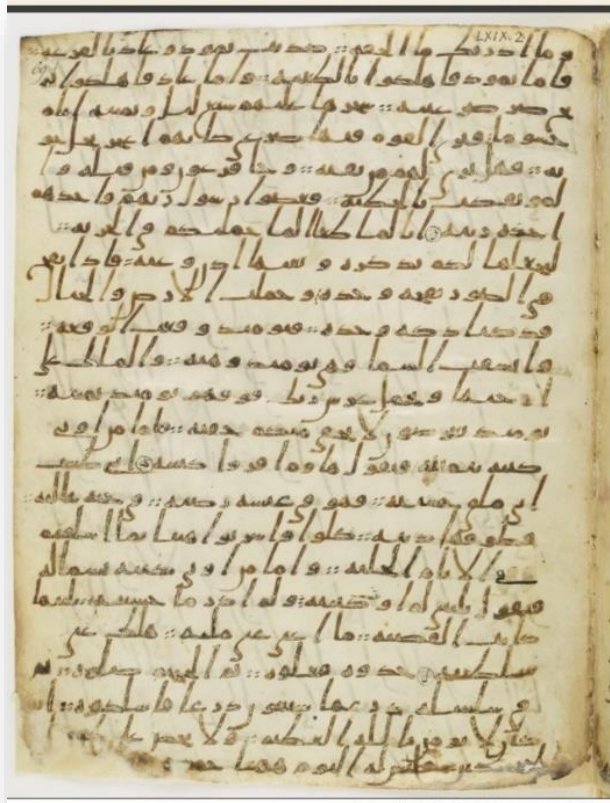
جدول شماره (۴): نشانه‌های تقسیم‌بندی آیات

علامت تعشیر	علامت تخمیس	علامت پایان آیه
 «فَاعْتَرِلُونِ» (دخان: ۲۱)، ص ۱۲۴	 «يَعْلَمُونَ» (زخرف: ۸۶)، ص ۱۲۳	 «الدَّخِيلِينَ» (تحریم: ۱۰)، ص ۱۳۵
 «الْمَصِيرُ» (تحریم: ۹)، ص ۱۳۵	 «مُنْتَقِمُونَ» (دخان: ۱۶)، ص ۱۱۸	 «مُرْتَقِبُونَ» (دخان: ۵۹)، ص ۱۱۹



	ص ۱۲۴	ص ۱۲۳
		
	«الْقِنِطِينِ» (حجر: ۵۵)، ص ۱۰۸	«لَهُ الدِّينِ» (زمر: ۲)، ص ۱۱۱
«رُغْبُونَ» (توبه: ۵۹)، ص ۶۷		

کسی که آیات برخی سوره‌ها را با دایره‌هایی که داخل آن با رنگ قرمز پر شده، تعشیر کرده است، همان فردی است که برخی سرسوره‌ها را با رنگ قرمز نگاشته است. این موضوع را می‌توان با بررسی و تطبیق نشانه‌های تعشیر در برخی سوره‌ها و سرسوره‌های آنها دریافت. با این حال، از سوره ممتحنه آیه ۹ (ص ۱۲۹) تا پایان مصحف، تعشیر آیات با دایره‌هایی که با نقطه‌های ریز مشکی توخالی ترسیم شده، مشخص می‌شود. صفحه ۱۳۷:



کهن‌ترین مصاحف قرآنی که با رسم حجازی و در قطع عمودی نوشته شده‌اند، اغلب دارای نشانه‌های جداکننده آیات مانند پایانه‌ها، علائم تعشیر و تخمیس‌اند و اکثر این نسخه‌های کهن، بسمله را آیه‌ای جداگانه به حساب می‌آورند (کریمی‌نیا، ۱۴۰۰). اما نسخه مذکور از معدود نسخه‌های حجازی است که از این قاعده مستثنی است. بررسی علامت‌های جداکننده و شمارش آیات هر یک از سوره‌های موجود در نسخه پاریس - سن‌پترزبورگ نشان می‌دهد که این نسخه نه تنها در اصل فاقد نشانه‌های تخمیس و تعشیر بوده که این می‌تواند دلیلی بر این باشد که در زمان کاتب این نوع از تقسیم‌بندی آیات هنوز رسمی و متداول نبوده است، بلکه بسمله و حروف مقطعه نیز در آغاز سوره‌ها به‌عنوان آیه‌ای مستقل به‌شمار نیامده‌اند. این نشانه‌گذاری‌ها بیانگر نظام شمارشی مد نظر کاتب بوده و مشخص می‌کند که به کدام‌یک از نظام‌های عدل‌آی مشهور مطابقت بیشتری دارد که عبارتند از:

۱. «الم» (آل‌عمران: ۱) ص ۳ مطابق نظام‌های مکی، شامی، بصری و المدنیان یک آیه به‌شمار نیامده است (ابن‌نجاح، ۱۴۲۳ق).
۲. بعد از عبارت «فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا.» (النساء: ۱۷۳) ص ۴۰ علامت پایانه‌ای قرار نداده است؛ در این صورت آیه مذکور برخلاف نظام شامی مطابق سیستم‌های بصری، مکی و مدنی نشانه‌گذاری شده است (غانم، ۱۴۱۴ق).
۳. علامت پایانه بعد از عبارت «لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ» (الرعد: ۵) ص ۹۹ رسم شده که موافق با همه سیستم‌ها به‌جز کوفی است.
۴. در سوره توبه، آیه ۳۶ بعد از «الَّذِينَ اتَّقَوْا» ص ۵ bمارسل ۱۸، علامت پایانه قرار داده شده که منطبق با مکتب حمص است.
۵. کلمه «الْأَبْصَارِ» (نور: ۴۴) ص ۱۱ bمارسل ۱۸ به‌عنوان پایان آیه مشخص شده است که مطابق با همه نظام‌های عدل‌آی به‌جز حمص می‌باشد.
۶. بسمله در سوره‌های کامل این مصحف یک آیه به‌حساب نیامده است (مانند: زخرف، ص ۱۱۹؛ جاثیه، ص ۱۲۵؛ شوری، ص ۱۱۵). در سوره شوری، «حم» (شوری: ۱)، «عسق» (شوری: ۲) ص ۱۱۵ و «كُلًّا عَلَامًا» (شوری: ۳۲) ص ۱۱۷ نیز آیه به‌شمار نیامده‌اند (دانی، ۱۴۱۴).
۷. کلمه «حم» (زخرف: آیه ۱، ص ۱۱۹) بر طبق نظام عدل‌آی شامی آیه محسوب نشده است و همچنین عبارت «هُوَ مَهِيْنٌ» (زخرف: آیه ۵۲، ص ۱۲۱) مانند نظام شامی و کوفی نشانه پایان آیه ندارد (همان، ۲۲۳).



۸. «حم» (دخان: آیه ۱، ص ۱۲۳)، «إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ» (دخان: ۳۴) ص ۱۲۴ و عبارت «إِنَّ شَجَرَةَ الرُّقُومِ» (دخان: ۴۳) ص ۱۲۵ مطابق نظام شمارش المدني الاخر (آنچه از نافع روایت شده است) و مکی آیه محسوب نشده است و نیز در همان صفحه «فِي الْبُطُونِ» (دخان: ۴۵) آیه به حساب آمده که مطابق نظام مدنی الاخر، مکی، بصری و کوفی است (همان، ۲۲۵).
۹. عبارت «يَجْعَلُ لَهُ مَخْرَجًا» (الطلاق: ۲) ص ۱۳۳ نشانه پایانه دارد که مطابق نظام المدني الاخر و مکی است (همان، ۲۴۹).
۱۰. کاتب مطابق نظام بصری برای عبارت «و ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا» (الحاقة: ۷) ص ۱۳۷ علامت پایان آیه گذاشته است که تنها مطابق نظام بصری می باشد (همان).
۱۱. «خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ» (المعارج: ۴) ص ۱۳۸ مطابق نظام بصری، مدنی و مکی علامت پایانی دارد (همان).
۱۲. عبارت «وَيَعُوذُ وَنَسْرًا» (نوح: ۲۴) ص ۱۴۰ بر طبق سیستم المدني الاخر و کوفی است و «و قَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا» (نوح: ۲۴) مطابق المدني الاول (قرآنت روایت شده از اسماعیل بن جعفر و قالون) و مکی، آیه به شمار آمده است. «فَأَذْخُلُوا نَارًا» (نوح: ۲۵) منطبق بر نظام شمارش مدنی، بصری، مکی و شامی نشانه پایانه دارد و بعد از عبارت «فِيهِمْ نُورًا» (نوح: ۱۶) نیز بر طبق نظام عدالآی المدنیین و مکی کاتب پایانه گذاشته است (همان).
- بنابراین، بررسی علائم پایانه و تعداد آیات سوره های مصحف پاریس - سن پترزبورگ و مقایسه آن با نظام های مختلف عدالآی نشان می دهد که عدالآی این نسخه بیشترین قرابت را به ترتیب با سیستم مدنی و مکی دارد.
- علامت های تخمیس و تعشیر آیات در دوره ای متأخر از زمان کاتب، توسط مصحح یا شخص دیگری به مصحف اضافه شده و با اشکال خاصی مشخص شده اند که نشانگر نظام شمارشی مصحح یا علامت گذار است که از آن پیروی می کرده است؛ مانند:
۱. «الْمُؤْمِنُونَ» (آل عمران: ۱۶۰) ص ۱۴ تعشیر و «قَدِيرٌ» (آل عمران: ۱۶۵) ص ۱۴ تخمیس شده است.
۲. کلمه «لَمَجْنُونٌ» (الحجر: ۶) ص ۱۰۶ به عنوان پایان آیه ۵ تخمیس و «يَسْتَهْزِئُونَ» (حجر: ۱۱) ص ۱۰۶ تعشیر شده است.
۳. «مَا تَدْعُونَ» (فصلت: ۳۱) ص ۱۱۳ پایان آیه ۳۰ تعشیر و «الْعَلِيمِ» (فصلت: ۳۶) پایان ۳۵ تخمیس و «عَزِيزِ» (فصلت: ۴۱) پایان آیه ۴۰ تعشیر.

۴. شخص دیگری با جوهر قرمز بر روی علامت پایانه‌ای که توسط کاتب مشخص شده، ترسیم نموده است. همچنین کلمه «قَرِيب» (شوری: ۱۷) ص ۱۱۶ را پایان ۱۵ تخمیس و کلمه «الْکَبِیر» (شوری: ۲۲) را انتهای آیه ۲۰ تعشیر کرده است. «الأُمُور» (شوری: ۴۳) ص ۱۱ پایان آیه ۴۰ تعشیر و «کُفُورٌ» (شوری: ۴۸) پایان آیه ۴۵ تخمیس.

۵. «الأُولَیِّینَ» (الزخرف: ۶) ص ۱۱۹ پایان آیه ۵ تخمیس و کلمه «تُخَرَّجُونَ» (زخرف: ۱۱) پایان آیه ۱۰ تعشیر.

۶. «رَغِیْبُونَ» (توبه: ۵۹) ص ۷۶ مارسل ۱۸ پایان آیه ۶۰ تعشیر و «تَحَذَّرُونَ» (توبه: ۶۴) در همین برگه به‌عنوان پایان آیه ۶۵ تخمیس.

۷. «الترجیم» (دخان: ۴۲) ص ۱۲۵ پایان آیه ۴۰ تعشیر و «الْحَمِیم» (دخان: ۴۸) پایان ۴۵ تخمیس.

۸. «بِإِسْطَا» (نوح: ۱۹) ص ۱۴۰ پایان آیه ۲۰ تعشیر و «کَفَّارًا» (نوح: ۲۷) به‌عنوان پایان آیه ۳۰ تعشیر شده است.

با بررسی این علائم می‌توان دریافت که مصحح با پیروی از نظام شمارشی مورد نظر کاتب، این نسخه را علامت‌گذاری کرده است.

ز. اختلاف مصاحف الأمصار

بررسی مصاحف باقی مانده از قرون نخستین مانند نسخه پاریس - سن پترزبورگ و گزارش‌های رسیده از عالمان قرون اولیه (مقدم) و نسخه‌شناسان نشان می‌دهد که مصاحف پنج شهر اصلی اسلامی (مکه، مدینه، کوفه، شام و بصره) در سده‌های نخستین اسلامی در نحوه نگارش کلمات اختلاف‌هایی باهم داشته‌اند که تعداد آن به بیش از ۴۰ مورد می‌رسد. این امر با عنوان «اختلاف مصاحف الأمصار» شناخته می‌شود (کریمی‌نیا، ۱۴۰۰). گرچه برخی، از جمله ابن ابی داوود (۳۱۶ق) در کتاب المصاحف، اصطلاح «اختلاف مصاحف» را علاوه بر اختلاف رسم الخط مصاحف، شامل اختلاف قرائات نیز می‌دانند (رجبی قدسی، ۱۳۹۴). بنابراین، با بررسی مواضع اختلاف در هر یک از نسخه‌های کهن موجود می‌توان دریافت که آن مصحف به لحاظ رسم الخط و قرائت به کدام یک از شهرهای مذکور نزدیک‌تر است. موارد اختلاف المصاحف در مصحف پاریس - سن پترزبورگ مورد بررسی قرار گرفته است که در جدول زیر قابل مشاهده می‌باشد.

جدول شماره (۵): مطابقت مواضع اختلاف مصحف پاریس - سن پترزبورگ با مصاحف الامصار (القاضی، بی‌تا؛ سجستانی، ۱۴۲۷ق؛ ابن جزری، بی‌تا؛ ابو عبید، بی‌تا؛ ابن مجاهد، ۱۴۰۰ق؛ مهدوی، ۱۴۳۰ق؛ دانی، ۱۴۳۶ق؛ دانی، ۱۴۲۹ق)



صفحه	آیه و سوره	کوفه	مصحف پاریس - سن پترزبورگ	مطابقت مصحف
۱۱	آل عمران: ۱۳۳	سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ	سارعوا الى مغفرة	مصاحف مدینه و شام
۵۸	انعام: ۱۶۱	ابرهیم	ابرهیم	مصاحف مدینه و شام
۶۲	الاعراف ۴۳	و ما کنا لنهتدی	ما کنا لنهتدی	مصاحف شام
۶۶	الاعراف، ۷۵	قال الملا	وقل الملا	مصاحف شام
۸۶	توبه: ۱۰۷	وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا	الذین اتخذوا	مصاحف اهل مدینه و شام
۱۱۷	شوری: ۳۰	فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ	بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ	مصاحف اهل مدینه و شام
۱۲۲	زخرف: ۶۸	يَا عِبَادِ لَا خَوْفَ	یعبادی لا خوف	مصاحف مدینه، حجاز و شام
۱۲۲	زخرف: ۷۱	مَا تَسْتَهَيِّهِ الْأَنْفُسُ	مَا تَسْتَهَيِّهِ الْأَنْفُسُ	مصاحف مدینه

جدول شماره (٦): مطابقت مواضع اختلاف قرائت

صفحه	آیه و سوره	کوفه	مصحف پاریس - سن پترزبورگ	مطابقت قرائت
	آل عمران: ١٣٣	وسارعوا الی غفره	سارعوا الی مغفره	نافع و ابن عامر
١٦	آل عمران: ١٨٤	الزُّبْرِ	بالزبر	ابن عامر
٣٩	نساء: ١٦٣	ابرهیم	ابرهیم	هشام
٤٥	الانعام: ٣٢	للداری	لدار	ابن عامر
٤٨	الانعام: ٦٣	لئن انجینا	لئن انجیتنا	ابن کثیر، نافع، اهل شام (برید ابن عامر و اصحابه و ابو عمرو
٥٥	الانعام: ١٣٧	شركا و هم	شركائهم	ابن عامر
٥٩	الاعراف: ٣	تذکرون	یتذکرون	ابن عامر
٦٢	الاعراف ٤٣	و ما کنا لنهدی	ما کنا لنهدی	ابن عامر
٦٤	الاعراف: ٥٧	بشرا	نشرا	ابن کثیر، نافع، ابو عمرو، ابن عامر، حمزه و کسایی
٦٦	الاعراف: ٧٥	قال الملا	وقل الملا	ابن عامر

۶۸	الاعراف: ۱۱۱	ارجه	ارجه	نافع، ابوبکر و حفص از عاصم. هشام و ابن ذکوان (هر دو شامی اند) هر دو مهموز خوانده اند السبعه ص ۲۱۰
۷۵	الاعراف: ۱۶۵	بئیس	بیس	نافع و ابن عامر
۷۸	الاعراف: ۱۹۵	کیدون	کیدونی	ابو عمرو، نافع به روایت ابن جماز، اسماعیل بن جعفر، ابن عامر به روایت ابن ذکوان
۷۸	الاعراف: ۲۰۱	طئف	طائف	نافع، عاصم، ابن عامر، حمزه
۸۶	توبه: ۱۰۷	وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا	الذین اتخذوا	نافع و ابن عامر
	فاطر: ۳۳	ولولوا	ولولوا	نافع، عاصم به روایت حفص و ابوبکر
۱۱۷	شوری: ۳۰	فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ	بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ	ابوجعفر، نافع (مدنیان) و ابن عامر (دمشقی)
۱۱۷	شوری: ۴۰	وجزوا	وجزوا	همزه بر پایه واو، حمزه و هشام آن را وقف کرده اند
۱۲۲	زخرف: ۶۸	يَا عِبَادِ لَا خَوْفَ	یعبادی لاخوف	ابوعمر، نافع و ابن عامر

ابوجعفر و نافع، ابن عامر و حفص بن عاصم	مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ	مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ	زخرف: ۷۱	۱۲۲
ابوجعفر	فَكِهَيْنَ	فَاكِهَيْنَ	الدخان: ۲۷	۱۲۴
ابن كثير	لِأَمَانَتِهِمْ	لِأَمَانَاتِهِمْ	المعارج: ۳۲	۱۳۹

لازم به ذکر است، ابوعبید قاسم بن سلام نگارش عبارت «بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ» بدون حرف فاء را به عنوان ویژگی مصاحف اهل مدینه معرفی کرده است (ابوعبید، بی تا).

دانی نیز در کتاب المقنع (۱۴۳۶ق) درباره نگارش «تَشْتَهِيهِ» بیان می کند که در مصحف امام ابن کلمه با دو هاء و در سایر مصاحف با یک هاء نوشته شده است. اما این قول با مصاحف اهل مدینه و شام که این کلمه را با دو هاء نگارش کرده اند، در تعارض است (سجستانی، ۱۴۲۷ق). چنانکه ابوعبید قاسم بن سلام نیز در فضائل القرآن، نگارش «مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ» با هاء را ویژگی مصاحف مدینه دانسته است (ابوعبید، بی تا). از سوی دیگر، ابن مجاهد نگارش «وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ» (اعراف: ۴۳) بدون واو و همچنین نگارش «قَالَ الْمَلَأُ» (اعراف: ۷۵) به همراه واو در ابتدای «قال» را از ویژگی های مصاحف شامی معرفی نموده است (ابن مجاهد، ۱۴۰۰ق). همچنین، قرائت ابن عامر در بسیاری از موارد به قرائت نافع مدنی نزدیک است. از این رو، بررسی موارد فوق سه احتمال را ایجاد می کند:

۱. از آنجا که کتابت این مصحف توسط چندین کاتب صورت گرفته است، بررسی ها نشان می دهد دو یا سه کاتب سوره های ابتدایی بخش عرب ۳۲۸a و بخش هایی از سن پترزبورگ، قرائتشان بیشتر به قرائت ابن عامر دمشقی نزدیک بوده و مصحف را مطابق قرائت خود یا مصحفی که به عنوان مصحف امام از آن رونوشت می کرده اند، کتابت نموده اند. در نتیجه این بخش بیشترین قرابت را با قرائت ابن عامر دارد. کاتب بخش دیگر این مصحف یعنی عرب ۳۲۸b بیشتر تحت تأثیر قاریان مدینه مصحف را نگاشته یا الگوبرداری کرده است و قرابت بیشتری به قرائت نافع دارد. بنابراین، این مصحف توسط کاتبانی تابع قرائت قاریان مدینه و شام نگاشته شده است.

۲. با توجه به موارد اختلاف المصاحف الأمصار و اختلاف قرائی در مصحف پاریس-سن پترزبورگ، می توان احتمال داد که بخش عرب ۳۲۸a و سن پترزبورگ، قسمت هایی از یک مصحف شامی بوده که بیشترین قرابت را به قرائت ابن عامر دارد و بخش عرب ۳۲۸b پاره ای از یک مصحف مدنی بوده که بیشتر به قرائت نافع نزدیک است و به عنوان یک مصحف در کنارهم قرار گرفته اند. در نتیجه می توان آن را مصحفی مدنی-شامی نامید.



۳. حتی اگر این مصحف را یک مصحف شامی بدانیم که قرائت آن بیشترین نزدیکی را به قرائت ابن عامر داشته است، باز هم نزدیکی آن به مصاحف مدنی را نمی‌توان انکار کرد. زیرا قرائت ابن عامر در موارد بسیاری به قرائت نافع مدنی نزدیک بوده و در برخی اختلافات، ابن عامر از مصحف شام پیروی نکرده است. همچنین برخی ویژگی‌های قرائی و رسم الخطی مختص به مصاحف اهل مدینه در آن یافت شده است. بنابراین، این مصحف را به‌طور کامل نمی‌توان مصحفی شامی نامید بلکه این احتمال وجود دارد که کاتبان شامی تحت تأثیر قاریان و مصاحف اهل مدینه این نسخه را کتابت کرده‌اند.

ک. تحلیل و جمع‌بندی درباره مصحف پاریس - سن پترزبورگ

دروش در کتاب قرآن‌های عصر اموی، تاریخ کتابت مصحف پاریس - سن پترزبورگ را به ربع سوم از قرن اول هجری منسوب کرده و در کتاب سبک عباسی، تاریخ کتابت مصحف پاریس (عرب a328) را به اواخر قرن اول هجری نسبت داده است که این امر تاریخ‌گذاری این مصحف را تا حدی با تناقض مواجه می‌کند. با وجود این، بررسی‌های انجام شده در این پژوهش نشان داد تاریخ کتابت مصحف پاریس - سن پترزبورگ بر اساس ویژگی‌های رسم الخطی و علائم نگارشی به‌کار رفته در آن به نیمه اول قرن اول می‌رسد.

در پروژه کورپوس کورانیوم، زادگاه این مصحف فسطاط معرفی شده است. بر اساس آنچه در مورد مصاحف فسطاط توسط دروش مطرح شده است، این مصاحف در اواخر سده اول و اوایل سده دوم کتابت می‌شده‌اند؛ درحالی‌که تاریخ نگارش این مصحف متعلق به نیمه اول قرن اول است. بنابراین، این امر بیانگر آن است که مصاحف فسطاط در اواسط سده اول یا حتی در طول آن نیز نوشته می‌شدند.

دروش در کتاب قرآن‌های عصر اموی عدالآی این مصحف را مورد بحث قرار داده و در انتها بیان کرده که نظام عدالآی آن با فهرست استاندارد شمارش آیات نظام‌دهی نشده است. اما طبق بررسی‌های انجام شده نظام عدالآی و قرائت این مصحف بیشترین قرابت را با نظام مدنی دارد.

یاسین داتن بخش پارسی این مصحف را در مقاله خود تحت عنوان «یک مصحف کهن مطابق با قرائت ابن عامر» از جنبه قرائی و عدای مورد بررسی قرار داده و قرائت آن را مطابق با قرائت ابن عامر دمشق معرفی کرده است. (Dutton, 2001, pp. 71-89) دروش نیز با استناد به همین مقاله داتن، قرائت این نسخه را به‌طور کلی مطابق با قرائت ابن عامر شامی معرفی کرده و به همه بخش‌های مصحف پاریس - سن پترزبورگ تعمیم داده است. درحالی‌که داتن تنها به مطالعه بخشی از این مصحف پرداخته است؛ به‌علاوه نمی‌توان قرائت مصاحف اولیه اسلامی به‌خصوص مصاحفی را که عاری از نقاط اعراب و اعجام هستند، به‌طور صد در صد به یک قاری مشخص نسبت داد زیرا این مصاحف، حامل قرائت‌های

مختلف معروف و شاز هستند. اگرچه قرائت این مصحف در چندین مورد مطابق با قرائت ابن عامر است و برخی ویژگی‌های خاص مصاحف شام را داراست، اما با قرائت قاریان مدینه به خصوص نافع قرابت بسیاری دارد. این مصحف برخی ویژگی‌های خاص مصاحف مدینه را نیز دارد. افزون بر این، همان‌طور که بیان شد، این مصحف توسط قاریان مختلفی کتابت شده که طبق بررسی‌ها، در بخش‌هایی از این مصحف قرائت غالب، قرائت ابن عامر است و بخش دیگر با قرائت نافع بیشترین قرابت را دارد.

دروش در حوزه قواعد املائی - که بخش مفصلی از کتاب وی، قرآن‌های عصر اموی، را به خود اختصاص داده است - مواضع کاتبان را بر مبنای پنج واژه، در تقابل میان رسم الخط ناقص و کامل، مورد ارزیابی قرار داده و در نهایت به این نتیجه رسیده است که کاتبان در حین رونویسی مصحف، در ارتقای رسم الخط بر اساس دیدگاه شخصی خود کوشیده‌اند.

از این‌رو، فرانسوا دروش در تحلیل مصحف پاریس - سن پترزبورگ بیشترین تمرکز را بر شیوه کتابت چند کلمه از سوی کاتبان نسخه داشته و به تحلیل همه جوانب مصحف به‌طور گسترده‌تر و کامل نپرداخته است.

نتیجه‌گیری

تحلیل و بررسی مصحف پاریس - سن پترزبورگ نشان می‌دهد که:

۱. این مصحف به سبک حجازی قدیمی کتابت شده است. از جمله خصوصیات این نوع خط خالی بودن آن از حرکت و اعجام، حذف الف وسط در کلمات، شکسته شدن کلمه در انتهای سطر، مشخص کردن پایان آیات با چند نقطه ساده و وجود تاء تانیث در برخی کلمات مانند "رحمه" می‌باشد که حاکی از کتابت آن در قرن نخست هجری است. رسم الخط کلمات در این نسخه عمدتاً از شیوه نگارش در رسم عثمانی پیروی می‌کند؛ اما در برخی موارد برخلاف رسم عثمانی نگارش شده است که بیشتر در حذف الف میانه مشهود است.

۲. در اغلب مصاحف کهن قرآنی قرون اولیه، موارد متعددی از سهو کاتب به چشم می‌خورد. در مصحف پاریس - سن پترزبورگ نیز مواردی از اغلاط کاتب وجود دارد که اکثر آنها بدون اصلاح رها شده‌اند. در صفحه ۱۱۶، کلمه «بیننا» (شوری: ۱۵) با یک دندان کمتر به صورت «بینا» نگاشته شده است. همچنین، برخی کلمات که بعدها با جوهر دیگری بازنویسی شده‌اند نیز در متن نسخه دیده می‌شود، مانند: «یُنَادِیْهِمْ» (فصلت: ۴۷) در صفحه ۱۱۴.

۳. مصحف پاریس - سن پترزبورگ مانند دیگر مصاحف کهن قرن نخست هجری که به خط حجازی کتابت شده‌اند، خالی از هرگونه تذهیب و سرسوره است. اما در برخی صفحات، سرسوره بارنگ قرمز کمرنگ و بسیار ساده و بدون تذهیب کتابت شده که در دوره‌ای متأخر و تقریباً نزدیک به دوره کاتب اصلی، توسط فرد دیگری به نسخه اضافه شده است که به‌مرور زمان کمرنگ شده‌اند. مانند: سوره احقاف در صفحه ۱.



۴. در این مصحف، بسمله و حروف مقطعه در آغاز سوره‌ها به‌عنوان آیه‌ای مستقل به‌شمار نیامده است و علائم پایان آیه در برخی موارد نشانه‌گذاری آیات برخلاف مصحف قاهره یا نظام عدالآی کوفی است. به‌عنوان مثال: «فَأَدْخُلُوا نَارًا» (نوح: ۲۵) منطبق بر نظام شمارش مدنی، بصری، مکی و شامی نشانه پایانه دارد.

۵. در کتابت این نسخه، قرآنت یکی از قاریان هفتگانه یا دهگانه رسمی مدنظر نبوده است. برای نمونه، عبارت «يَا عِبَادِ لَاخَوْفُ» (زخرف: ۶۸) با یاء به‌صورت «یعبادی لاخوف» کتابت شده که مطابق مصاحف مدینه، حجاز و شام است و به قرآنت ابو عمرو، نافع و ابن‌عامر است. بنابراین، با دقت در قرآنت، علائم تخمیس و تعشیر هر سوره و نیز بررسی و شمارش آیات سوره‌ها می‌توان دریافت که نظام عدالآی و قرآنتی در این مصحف بیشترین مطابقت را با نظام مدنی و شامی دارد و نسخه حاضر متعلق به دوره‌ای است که کاتبان مصاحف را عاری از هر گونه علامت اعراب، اعجام، تعشیر، تخمیس و تذهیب می‌نگاشتند. این امر تاریخ کتابت این مصحف را به دو قرن نخست هجری، به‌ویژه نیمه دوم قرن اول می‌رساند.

فهرست منابع

١. قرآن کریم. مصحف القاهرة یا المصحف الأمیری. بولاق: جمع و رتب در المطبعة الأمیریة، ١٩٢٤م، ١٣٤٢ش.
٢. مصحف پاریس - سن پترزبورگ، کتابخانه ملی فرانسه، سن پترزبورگ روسیه، کتابخانه واتیکان و مجموعه هنری ناصرخلیلی.
٣. ابن جزری، ابو الخیر محمد. النشر فی القراءات العشر. تصحیح علی محمد الضباع. بیروت: دارالفکر للطباعة. بی تا.
٤. ابن مجاهد، ابوبکر. السبعة فی القراءات. تحقیق: شوقی ضیف. قاهره: دارالمعارف. ١٤٠٠ق.
٥. اندلسی، ابن وثیق. الجامع لما يحتاج الیه من رسم المصحف. تحقیق: غانم قدوری الحمد. بغداد: دارالانبار. ١٤٠٨ق.
٦. بلاشر، رژی. در آستانه قرآن. ترجمه: محمود رامیار. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. بی تا.
٧. الحمد، غانم القدوری. رسم المصحف درسه لغویہ تاریخیہ. عراق: اللجنة الوطنية للاحتفال بمطلع القرن الخامس عشر الهجری. ١٤٠٢ق.
٨. ----- المیسر فی علم رسم المصحف و ضبطه. عراق: مرکز الدراسات و المعلومات القرآنیة. ١٤٣٧ق.
٩. رجیبی، قدس. «میزان اختلاف مصاحف امصار و علل آن». آموزه های قرآنی. شماره ٢٢. صص ١٦٣-١٩٠. ١٣٩٤.
١٠. دانی، ابو عمرو اندلسی. البیان فی عدّ آی القرآن. تحقیق: غانم قدوری الحمد. کویت: مرکز المخطوطات و التراث و الوثائق. ١٤١٤ق.
١١. ----- التیسیر فی القراءات السبع. تحقیق: حاتم صالح الضامن. الإمارات العربیة المتحدة: مكتبة الصحابه. ١٤٢٩ق.
١٢. ----- المقنع فی معرفه مرسوم مصاحف اهل الامصار. تحقیق: بشیر بن حسن حمیری. بحرین: دارالبشائر الإسلامیة. ١٤٣٦ق.



۱۳. ----- . المقنع فی رسم مصاحف الأمصار مع کتاب النقط. تحقیق: محمد صادق قمحاوی. قاهره: مکتبه الکلیات الأزهریه. بی تا.
۱۴. دروش، فرانسوا. قرآن های عصر اموی. ترجمه: مرتضی کریمی نیا و آلاء وحیدنیا. تهران: هرمس. ۱۳۹۴ ش.
۱۵. ----- . داستان پیدایش نسخه و نسخه شناسی. مترجم: ع. روح بخشان. نامه بهارستان، دفتر ۳، شماره اول، صص ۶۶-۵۷. ۱۳۸۰ ش.
۱۶. ----- . سبک عباسی، قرآن نویسی تا قرن چهارم هجری. مترجم: پیام بهتاش. تهران: نشر کارنگ. ۱۳۷۹ ش.
۱۷. دروزه، محمد عزة. تاریخ قرآن. ترجمه: محمد علی لسانی فشارکی. تهران: نهضت زنان مسلمان. ۱۳۵۹.
۱۸. رامیار، محمود. تاریخ قرآن. تهران: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۷۹.
۱۹. رحیمی ریس، احمد رضا. «تاریخ قرآن نولدکه- شوالی، بررسی، معرفی و نقد». سفینه. شماره اول. صص ۱۶-۳۰. ۱۳۸۲.
۲۰. سجستانی، ابی بکر عبدالله بن سلیمان. المصاحف. کویت: موسسه غراس للنشر و التوزیع و الدعاية و الاعلان. ۱۴۲۷ ق.
۲۱. سلیمان بن نجاح، ابوداود. مختصر التبيين لهجاء التنزیل. محقق: احمد بن احمد شرشال. مدینه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف. ۲۴۲۳ ق.
۲۲. صغیر، محمد حسین. تاریخ القرآن. بیروت: دارالمورخ العربی. ۱۴۲۰ ق.
۲۳. صادقی، بهنام و گودرزی، محسن. مصحف صنعاء ۱ و مسئله خاستگاه قرآن. تهران: هرمس. ۱۴۰۰ ش.
۲۴. قاضی، عبدالفتاح. البدور الزهره فی القراءات العشر المتواتره من طریق الشاطیبه و الدری. بیروت: دارالکتاب العربیه. بی تا.
۲۵. فاگان، برایان. سراغاز درآمدی بر باستان شناسی (اصول، مبانی، روش ها). ترجمه: غلامعلی شاملو. تهران: سمت. ۱۳۹۰.

۲۶. کریمی نیا، مرتضی. «نسخه‌شناسی مصاحف قرآنی (۱۲). ابو جعفر محمد بن موسی الموسوی، عالم و ادیب شیعه در قرن چهارم و قرآن وقفی اش بر حرم رضوی در سال ۴۰۲ هجری». آینه پژوهش. شماره ششم، صص ۷۵-۱۰۶. ۱۳۹۹.
۲۷. مارغنی، ابوالسحاق ابراهیم بن احمد التونسی المالکی. دلیل الحیران علی مورد الظمان. قاهره: دارالحدیث. بی‌تا.
۲۸. موتسکی، هارالد. ارزیابی تاریخ‌گذاری احادیث. مترجم: سید علی آقایی. تاریخ‌گذاری حدیث روش‌ها و نمونه‌ها (مجموعه مطالعات اسلامی). به‌کوشش و ویرایش: سید علی آقایی. تهران: انتشارات حکمت. ۱۳۹۴.
۲۹. مجهول. الهجاء فی رسم المصحف. تحقیق: غانم قدوری الحمد. دمشق: دارالقوئانی. ۱۴۳۳ق.
۳۰. مهدوی، ابوالعباس احمد بن عمار. هجاء مصاحف الأمصار. تحقیق: حاتم صالح الضامن. الامارات: دار ابن جوزی. ۱۴۳۰ق.
31. Abbott, N. The rise of the north Arabic script and its Kuranic development. Ed: Wilson J. A. & Allen T. G. Chicago: Illinois. 1939.
32. Burton, John. The collection of the Quran. Cambridge University Press. 1977.
33. Bonani, G., Ivy, S., Wölfli, W., Broshi, M., Carmi, I., & Strugnell, J. Radiocarbon Dating of Fourteen Dead Sea Scrolls. Radiocarbon, 34(3), 843-849. 1992.
34. GHabban, A. I. The Rise Of The Arabic script and The Nature Of The Early Islamic State. Arabian Archaeology And Epigraphy, Volume 19, pp. 210-237. 2008.
35. Miles, G. C. Early Islamic Inscriptions, Near Taif in the Hijaz. Journal of Near Eastern Studies, pp. 236-242. 1948.

36. Powers, David S. Book Reviews: La transmission é crite du Coran dans les de buts de l'islam. Islamic Law and Society, Vol. 18, No. 2, pp. 281-285. 2011.
37. Dutton, Yasin. "An early mushaf according to the reading of Ibn Amir". Journal of Qura'nic studies, Vol. 3, pp. 71-89. 2001.
38. Nosedá, S. Noja. "Note Esterne In Margin Al 1 Volume Dei 'Materiali Per Un'edizione Critica Del Corano' ". Rendiconti: Classe Di Lettere E Scienze Morali E Storiche, Vol. 134. 2000.

References

1. *Qurān Karīm (The Holy Quran)*, Mushaf al-Qāhirah or Mushaf al-Amīri, Būlāq: Compiled and Prepared in the Amīri Press, 1924 CE, 1342 SH.
2. *Mushaf Paris - St. Petersburg*, National Library of France, St. Petersburg, Russia, Vatican Library, and Nāsir Khalilī Art Collection.
3. Abbott, N. *The Rise of the North Arabic Script and Its Kuranic Development*. Ed: Wilson J. A. & Allen T. G. Chicago: Illinois. 1939.
4. Al-Ḥamād, Ghānam Qadūrī, *Al-Maysar fī 'Ilm Rasm al-Mushaf wa Ḍabtih (The Easy Guide in the Science of the Script of the Mushaf and Its Accuracy)*, Iraq: Markaz al-Dirāsāt wa al-Ma'lūmāt al-Qurānīyah, 1437 AH (2016 CE).
5. Al-Ḥamād, Ghānam Qadūrī, *Rasm al-Mushaf: Dirasah Lughawīyah Tārīkhīyah (The Script of the Mushaf: A Linguistic and Historical Study)*, Iraq: Al-Lajnah al-Waṭanīyah li-Iḥtifāl bi-Maṭla' al-Qarn al-Khāmis 'Ashar al-Hijrī, 1402 AH (1982 CE).
6. Andalusī, Ibn Wathīq, *Al-Jāmi' limā Yaḥtāj ilayh min Rasmi al-Mushaf (The Collection of What Is Needed for the Script of the Mushaf)*, Edited by Ghānam Qadūrī al-Ḥamād, Baghdad: Dār al-Anbār, 1408 AH (1988 CE).
7. Blachère, Régis, *Dar Astānah al-Qurān (At the Threshold of the Quran)*, Translated by Maḥmūd Rāmyār, Tehran: Daftar Nashr Farhang Islāmi (n.d.).
8. Bonani, G., Ivy, S., Wölfli, W., Broshi, M., Carmi, I., & Strugnell, J. Radiocarbon Dating of Fourteen Dead Sea Scrolls. *Radiocarbon*, 34(3), 843-849. 1992.
9. Burton, John. *The Collection of the Quran*. Cambridge University Press. 1977.
10. Dānī, Abū 'Amr Andalusī, *Al-Bayān fī 'Add Ayāt al-Qurān (Clarification of the Number of Quranic Verses)*, Edited by Ghānam Qadūrī al-Ḥamād, Kuwait: Markaz al-Makhtūṭāt wa al-Turāth wa al-Wathā'iq, 1414 AH (1994 CE).
11. Dānī, Abū 'Amr Andalusī, *Al-Muqna' fī Ma'rifah Rasm Muṣāḥif Ahl al-Amṣār (The Sufficient Work in Understanding the Script of the Mushafs of the People of the Provinces)*, Edited by Bashīr bin Ḥasan Ḥamīrī, Bahrain: Dār al-Bashā'ir al-Islāmīyah, 1436 AH (2015 CE).
12. Dānī, Abū 'Amr Andalusī, *Al-Muqni' fī Rasm Muṣāḥif al-Amṣār ma'a Kitāb al-Naqt (The Sufficient Work on the Script of the Mushafs of the Provinces with the Book of Dots)*, Edited by Moḥammad Ṣādiq Qamhāwī, Cairo: Maktabah al-Kulliyāt al-Azhariyah (n.d.).
13. Dānī, Abū 'Amr Andalusī, *Al-Taysīr fī al-Qirā'at al-Sab' (Facilitating the Seven Recitations)*, Edited by Ḥātam Ṣāliḥ al-Ḍamīn, United Arab Emirates: Maktabah al-Ṣaḥābah, 1429 AH (2008 CE).
14. Déroche, François, *Dāstān-i Pīdāyish Nasakhah va Nasakhānī (The Story of the Emergence of Manuscripts and Manuscriptology)*, Translated by 'A. Rūḥ-



- Bakhshān, Nāmāh-ye Bahāristān, No. 3, First Issue, pp. 57-66, 1380 SH (2001 CE).
15. Déroche, François, *Qurān-hā-ye 'Aṣr-i Umayyī (The Qurans of the Umayyad Era)*, Translated by Murtazā Karīmīniyā and Alā' Wahīdīnyā, Tehran: Hermes, 1394 SH (2015 CE).
 16. Déroche, François, Sabk-i 'Abbāsī, *Qurān-navīsī tā Qarn-i Chahārum Hijrī (The Abbasid Style: Qurān Writing Until the 4th Century Hijri)*, Translated by Payām Behtāsh, Tehran: Nashr Kāring, 1379 SH (2000 CE).
 17. Durrūzah, Moḥammad 'Azza, *Tārīkh al-Qurān (History of the Quran)*, Translated by Moḥammad 'Alī Lisānī-Fishārkī, Tehran: Nahzat Zanan Muslimān (1979 CE).
 18. Dutton, Yasin. "An early mushaf according to the reading of Ibn Amir". *Journal of Qura'nic studies*, Vol. 3, pp. 71-89. 2001.
 19. Fāgān, Brāyān, Sar'āghāz, *Dārmadī Bar Bāstān-shināsī (An Introduction to Archaeology: Principles, Foundations, and Methods)*, Translated by Ghulām 'Alī Shāmlū, Tehran: SAMT, 1390 SH (2011 CE).
 20. Ghabban, A. I. *The Rise of the Arabic script and The Nature of the Early Islamic State*. *Arabian Archaeology and Epigraphy*, Volume 19, pp. 210-237. 2008.
 21. Ibn Jazari, Abū al-Khayr Moḥammad, *Al-Nashr fī al-Qirā'āt al-'Ashar (The Spread of the Ten Recitations)*, Edited by 'Alī Moḥammad al-Ḍabbā', Beirut: Dār al-Fikr (n.d.).
 22. Ibn Mujahd, Abū Bakr, *Al-Sab'ah fī al-Qirā'āt (The Seven Recitations)*, Edited by Shawqī Ḍayf, Cairo: Dār al-Ma'ārif, 1400 AH (1979 CE).
 23. Karīmīniyā, Murtazā, "Nasakhānī-i Muṣāḥif-i Qurānī (12): Abū Ja'far Moḥammad bin Mūsā al-Mūsawī, 'Ālim wa Ādīb-i Shī'ī dar Qarn-i Chahārum wa Qurān-i Waqfī-ash bar Ḥaram-i Razawī dar Sāl-i 402 Hijrī" (*The Manuscriptology of Quranic Mushafs (12): Abū Ja'far Moḥammad bin Mūsā al-Mūsawī, Shiite Scholar and Literary Figure in the 4th Century and His Endowment Quran for the Razawi Shrine in the Year 402 Hijri*), Āyīnah Pajāwesh, No. 6, pp. 75-106, 1399 SH (2020 CE).
 24. Mahdawī, Abū al-'Abbās Aḥmad bin 'Ammar, *Hijā' Muṣāḥif al-Amṣār (The Spelling of the Mushafs of the Provinces)*, Edited by Ḥātām Ṣāliḥ al-Ḍāmīn, UAE: Dār Ibn Jauzī, 1430 AH (2009 CE).
 25. Majhūl (Unknown), *Al-Hijā' fī Rasm al-Mushaf (The Spelling of the Mushaf)*, Edited by Ghānam Qadūrī al-Ḥamād, Damascus: Dār al-Quthānī, 1433 AH (2012 CE).
 26. Mārghīnī, Abū Ishāq Ibrāhīm bin Aḥmad al-Tūnīsī al-Mālikī, *Dalīl al-Ḥayrān 'Alā Mawrīd al-Zam'an (The Guide for the Confused at the Source of Thirst)*, Cairo: Dār al-Ḥadīth (n.d.).

27. Miles, G. C. *Early Islamic Inscriptions*, Near Taif in the Hijaz. *Journal of Near Eastern Studies*, pp. 236-242. 1948.
28. Mütskī, Hārāld, *Arzīyābī Tārīkh-guzārī Ḥadīth (Evaluation of Hadīth Dating)*, Translated by Sayyid ‘Alī Āqā’ī, *Tārīkh-guzārī Ḥadīth: Ravesh-hā wa Namūnah-hā (Hadīth Dating Methods and Examples)*, Edited and compiled by Sayyid ‘Alī Āqā’ī, Tehran: Intishārāt Ḥikmat, 1394 SH (2015 CE).
29. Nosedā, S. Nojā. “*Note Esterne in Margin Al I Volume Dei ‘Materiali per Un’edizione Critica Del Corano’*”. *Rendiconti: Classe Di Lettere E Scienze Morali E Storiche*, Vol. 134. 2000.
30. Powers, David S. Book Reviews: *La transmission écrite du Coran dans les débuts de l’islam*. *Islamic Law and Society*, Vol. 18, No. 2, pp. 281-285. 2011.
31. Qādī, ‘Abd al-Fattāḥ, *Al-Budūr al-Zāhirah fī al-Qirā’āt al-’Ashar al-Mutawātirah min Ṭarīqī al-Shāṭibīyah wa al-Durī (The Bright Full Moons in the Ten Mutawātir Recitations via the Shaṭībīyah and Durī Paths)*, Beirut: Dār al-Kitāb al-’Arabī (n.d.).
32. Rahīmī Rīсах, Aḥmadrezā, “*Tārīkh al-Qurān Nöldekeh-Shuwālī: Barrasī, Mu’arrasī, wa Naqd*” (*The History of the Quran Nöldekeh-Shuwālī: Examination, Introduction, and Critique*), Safīnah, First Issue, pp. 16-30, 1382 SH (2003 CE).
33. Rajabī, Qudūs, “*Mīzān Ikhtilāf al-Muṣāḥif wa ‘Ilaluhā*” (*The Measure of Differences Among the Quranic Mushafs and Their Causes*), *Āmozah-hā-ye Qurānī*, No. 22, pp. 163-190, 1394 SH (2015 CE).
34. Rāmyār, Maḥmūd, *Tārīkh al-Qurān (History of the Quran)*, Tehran: Intishārāt Amīr Kabīr, 1379 SH (2000 CE).
35. Šādeqī, Behnām and Gudarzī, Muḥsin, *Mushaf San’ā’ I wa Mas’alah Khāstgāh-i Qurān (The San’ā’ Mushaf I and the Issue of the Origin of the Quran)*, Tehran: Hermes, 1400 SH (2021 CE).
36. Šaghīr, Moḥammad Ḥusayn, *Tārīkh al-Qurān (History of the Quran)*, Beirut: Dār al-Mawarrīkh al-’Arabī, 1420 AH (1999 CE).
37. Sajistānī, Abī Bakr ‘Abdullah bin Sulaymān, *Al-Maṣāḥif (The Mushafs)*, Kuwait: Mū’assasah Ghars li-l-Nashr wa al-Tawzī’ wa al-Du’āyah wa al-’lām, 1427 AH (2006 CE).
38. Sulaymān bin Najjāḥ, Abū Dāwūd, *Mukhtaṣar al-Tabyīn li-Hijā’ al-Tanzīl (The Brief Explanation of the Spelling of the Revelation)*, Edited by Aḥmad bin Aḥmad Sharshāl, Madīnah: Majma’ al-Malik Fahd li-Ṭībā’ah al-Mushaf al-Sharīf, 2423 AH (n.d.).